

تبیین مبانی فکری استکبارستیزی در اندیشه تمدن ساز امام خامنه‌ای مدظله العالی

سیدحسن رستم پور^۱

چکیده

استکبار جهانی، بهره‌کشی آمریکا، همواره با زورگویی و افزون‌خواهی، به‌شکلی ظالمانه در عرصه جهانی در پی کسب منافع خود بوده است. این واقعیتی است که رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) را بر آن داشته است تا با نگاه تمدن‌ساز خویش، بر اساس مبانی دینی، با تبیین ماهیت استکبار، به ضرورت مبارزه با آن پرداخته و خود نیز به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، پیش‌قدم آن در جهان باشد. پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش است که مبانی فکری استکبارستیزی مبتنی بر اندیشه تمدن‌ساز رهبر معظم انقلاب اسلامی چیست؟ این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب نظری مبتنی بر سه گانه: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در پی بررسی این موضوع است. یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که استکبارستیزی، برآمده از نظام توحیدی و ضرورتی اعتقادی به‌منظور جلوگیری از فراگیری فساد و تباهی بر روی زمین بوده و اصالت‌بخشی به روش در عرصه ایستادگی و مقاومت در برابر حمله‌های مستکبران است.

واژگان کلیدی: مبانی فکری، استکبارستیزی، تمدن‌سازی، امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

^۱ - پژوهشگر و کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی بین‌المللی، دانشگاه ایلام

استکبار جهانی در حقیقت قدرتی است که به منافع ملت‌ها، خواست انسان‌ها و ارزش‌های انسانی، هیچ توجهی ندارد و تنها منافع خود را با روحیه‌ای برآمده از تکبر، افزون‌خواهی و زورگویی دنبال می‌کند. این سلطه‌گرا به منظور تحقق منافع خود، در پی پیاده‌سازی نظام هژمونی مورد نظر خود در جهان است و با هر کشوری که مخالف این هژمونی باشد، به مقابله می‌پردازد. در حالی که بر اساس مبانی دینی، چنانچه با متکبران و زورگویان جهانی مبارزه نشود، فساد و تباهی زمین را فرا خواهد گرفت؛ (بقره ۱۵۲) چرا که آن‌ها به واسطه ذات سیرناپذیرشان، همواره در پی منافع زیاده‌خواهانه خود، خواهان گسترش سلطه خویش بر روی زمین هستند. از این‌روست که خداوند متعال، مردان باایمان و در رأس همه آن‌ها، پیامبران الهی را مأمور مبارزه با متکبران قرار داده است.

در مقاله پیش‌رو، با توجه به اهمیت موضوع استکبارستیزی در آموزه‌های دینی و تمدن نوین اسلامی و به دلیل تردیدهایی که درباره معانی، اهداف، مصادیق، ضرورت‌ها و... آن در میان برخی از فعالان و مجریان سیاسی کشور وجود دارد، کوشش شده است ابعاد گوناگون آن از نگاه رهبر معظم انقلاب در راه تشکیل تمدن نوین اسلامی بررسی شود. همچنین تلاش برای این است که ضامن ابهام‌زدایی از مبانی و خاستگاه نظری مفهوم استکبارستیزی در نظام فکر رهبرانقلاب، در پاسخ به پرسش اصلی مقاله درباره چیستی مفهوم استکبارستیزی در اندیشه تمدن‌ساز آیت‌الله خامنه‌ای، این فرضیه را بررسی کند که مفهوم استکبارستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب برآمده از جهان‌بینی دینی و آموزه‌ها و دستورهای دین اسلام است؛ جهان‌بینی‌ای که مبارزه با استکبار را برای جلوگیری از گسترش فساد بر روی زمین، برای تشکیل تمدن اسلامی ضرورت می‌داند.

براین اساس، در این نوشتار، نخست مبتنی بر چهارچوب نظری پایایی شناخت در سه عرصه هستی، معرفت و روش، نظام فکر برآمده از اندیشه رهبرانقلاب ارائه می‌شود که در پی ترسیم چهارچوب کلی از نگاه رهبر به مفهوم استکبارستیزی برای شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی است. به همین منظور، از نگاه هستی‌شناسانه به خاستگاه و جهان‌بینی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره مفهوم استکبارستیزی پرداخته می‌شود. از این رهگذر، با ارزیابی مبانی معرفت‌شناسانه دیدگاه و درباره این مفهوم، آن را با بررسی روش‌شناختی به

واقعیت خارجی پیوند زده و روش‌های مبارزه با استکبار از نگاه رهبر معظم انقلاب را تبیین می‌کند.

این پژوهش در حالی انجام می‌شود که علاوه بر چندین مقاله، برخی از کتاب‌ها نیز به شکل غیرمستقل به بررسی مفهوم استکبارستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب پرداخته‌اند. در این زمینه، کتابی با عنوان «دشمن‌شناسی» در اندیشه رهبرانقلاب نوشت نجفعلی غلامی و همچنین کتابی با همین عنوان نوشت پیمان مالزاده تنها به بیان سخنان مقام معظم رهبر درباره موضوع دشمن پرداخته و بیانات ایشان را در این باره موضوع‌بندی کرده‌اند. همچنین در کتاب «دشمن‌شناسی (شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی)» با گردآور سیدامیر پورفاضلی نیز اقدامات مشابهی انجام شده است. به علاوه، کتاب «استضعاف و استکبار در قرآن» نوشت علی محمد دستغیب به بررسی مبانی قرآنی استکبار پرداخته و با موضوع پژوهش پیش‌رو متفاوت است. این تفاوت در کتاب «استکبار جهانی» نوشت جواد منصوری نیز دیده می‌شود؛ موضوعی که به ابعاد کلی استکبار پرداخته و ناظر به اندیشه رهبر معظم انقلاب نیست.

همچنین برخی مقاله‌ها همچون «تبیین استکبارستیزی از منظر مقام معظم رهبر» نوشت رحمت عباسی تبار و محمد صالح توکلی، «دیدگاه اسلام و رهبر درباره استکبارستیزی» نوشت افشین خلیلی دهن و فریدون کیانی قلعه‌سرد و مقاله‌ای با عنوان «راهبردها و راهکارها جهان اسلام در مقابله با استکبار جهانی از دیدگاه امام و رهبر» نوشت حسین شیدایی درباره این موضوع نگاشته شده است.

در جمع‌بندی کلی باید گفت که این مقاله‌ها به شکل تا حدی و مبتنی بر اندیشه سیاسی و تنها با رویکرد روش‌شناسانه به مقوله استکبارستیزی پرداخته و یا، همچون مقاله‌های اخیر از نظر موضوع با پژوهش پیش‌رو متفاوت است. این در حالی است که این نوشتار مبتنی بر چهارچوب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی به شکلی جامع موضوع استکبارستیزی را بررسی می‌کند و در قالب چهارچوب علمی به ارائه‌ی نظریه در این باره می‌پردازد.

۱. چهارچوب نظری

یکی از روش‌های مناسب برای بررسی کامل هر مفهوم در نظام فکری اندیشمند، توجه به ابعاد هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه آن از دیدگاه متفکر است. این الگو، که مبتنی بر پاسخ به سه پرسش چیستی، چرایی و چگونگی است، در نهایت اساتید را با تبیین و ارزیابی بهتر

مبانی فکری که مفهوم در آن نضج یافته است، به مبانی تولید معرفت و شناخت و علل دستیابی به آن بپردازد. همچنین از این رهگذر، چگونگی پیاده‌سازی این معرفت در جهان واقع و در عرصه عمل را از منظر اندیشمند و در قالب روش‌شناسی، ارزیابی کند.

این چهارچوب فهم جامعی از مفهوم مورد نظر در ساختار فکر متفکر به دست می‌دهد و میان نوع شناخت و معرفت حاصل از این درک، با نوع روش‌های به‌کارگرفته در آن، ارتباط برقرار می‌کند. بر این اساس، ساختار اندام وار و به‌هم پیوسته‌ای از اندیشمند درباره مفهوم خاص شکل می‌دهد و به مخاطب ارائه می‌کند.

الف) نخستین عرصه هستی‌شناسی است. این مفهوم در تعاریف، عبارت است از نظریه‌ای عام درباره اینکه چه نوع چیزها یا جوهره‌هایی در جهان وجود دارند و به عبارت‌تر از هستی‌ها و روابطی اشاره دارد که در هر دو حوزه خاص از معرفت و تخصصی علمای پذیرفته می‌شود. (بنتو و کرایب، ۲۸۳۱، ص ۱۲-۱۸) از سوی دیگر، هستی‌شناسی در پژوهش، درواقع، بازتاب نگرش متفکر درباره سرشت جهان است. (مارش و فورانلنگ، ۲۸۳۱، ص ۸۱-۴۱) در تعریفی دیگر، هستی‌شناسی به نگرش اندیشمند درباره هرآنچه جهان اجتماعی را مایه‌سازد، گفته می‌شود. (Barbour, ۲۰۱۴, ۲۰) از نگاه اندیشمند متأله نائینی، هستی‌شناسی درواقع سخن از حقیقت هستی و انواع و جلوه‌های آن و روابط کلی موجودات با یکدیگر است. (مصباح یزدی، ۲۸۳۴، ج ۲، ص ۱۴۲)

ب) معرفت‌شناسی دومین عرصه‌ای است که در این چهارچوب مورد بررسی می‌شود. این مفهوم در حقیقت، نظریه معرفت و ادراک است (Flick, ۲۰۰۹, p. ۴۶۸) و عبارت است از اینکه چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت؛ (Walliman, ۲۰۰۱, p. ۱۴) در تعریفی دیگر از آن، به مطالعه ماهیت معرفت و توجیه یاد شده است. (Schwandt, ۲۰۰۷, p. ۱۵۸) از نگاه اندیشمند اسلامی، معرفت‌شناسی درواقع شاخه‌ای از فلسفه است که در آن درباره شناخت‌ها، ابتدا و ارزیابی انواع و تعیین معیار صحت و خطای آنها بحث می‌شود. (مصباح یزدی، ۲۸۳۴، ج ۲، ص ۲۵۸) در مجموع، معرفت‌شناسی در نظام فکری اندیشمند ناظر به منابعی است که شناخت و معرفت از آن‌ها حاصل می‌شود و از سویی نیز می‌توان از آن معرفت به شایستگی دفاع کرد.

ج) روش‌شناسی به‌عنوان سومین بخش از این چهارچوب نظری است که در پیوند میان عرصه نظر و عمل است. این مفهوم در تعریفی عبارت از نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرا و عمل است؛ (Harding, ۱۹۸۷, p. ۲) در تعریفی دیگر، از آن به تحلیل مفروضات، اصول و روش‌های اجرا یاد

شده است. (Schwandt, ۲۰۰۷, p. ۱۵۸) از سویی روش‌شناسی به مجموع قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند، و مجموع ابزار و فنونی که آدمیان را از مجهولات به معلومات راهبر می‌کند، گفته می‌شود (ساروخانی، ۲۸۱۵، ص ۱۱). می‌توان گفت روش‌شناسی در حقیقت، ارتباط میان مبانی فکر و معرفتی متفکر با واقعیات اجتماعی است و اندیشه‌ور در عرصه واقعیت خارجی پیاده می‌کند. (پارسانیا، ۲۸۳۳، ص ۲۱)

این چهارچوب نظری از آن رو مناسب پژوهش پیشرو به نظر می‌رسد که استکبارستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب نشان از نظام اندیشه‌ای متشکل از اجزای به هم پیوسته است که در مسیر هدف معین، یعنی تشکیل تمدن نوین اسلامی، قرار گرفته است. این چهارچوب نظری همچنین کمک می‌کند با روشن شدن اجزای گوناگون این نظام فکری، ارتباط آنها با یکدیگر مفصل‌بندی شده و هدفمند بودن آنها در ارتباط با واقعیت خارجی روشن شود.

۲. مفهوم‌شناسی استکبارستیزی

مفهوم محوری در پژوهش پیشرو استکبارستیزی است که فهم درست این مفهوم به فهم دقیق یافته‌های تحقیق کمک کرده و ارتباط مباحث مطرح‌شده را با چهارچوب نظری هرچه بیشتر تبیین مبانی فکری استکبارستیزی در اندیشه تمدن‌ساز... / علی محمدی ضیاء (ص ۲۳۱-۲۶۱) آشکار می‌سازد. مفهوم استکبارستیزی، که از ترکیب دو واژه استکبار و ستیز تشکیل شده است، مفهومی قرآنی است و به تعبیر مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی در دوره کنونی برای نخستین بار آن را مطرح کرد. (بیانات، در دیدار روحانیون عقیدتی - سیاسی، ۱۱/۱/۱۳۸۲) استکبار در حقیقت به عنصر یا شخصی یا جمعی یا جناحی گفته می‌شود که خود را بالاتر از حق به شمار آورده و زیر بار حق نرود و خود و قدرتش را مالک قرار دهد. (محمدی، ۲۸۳۵، ص ۸۳) بر مبنای قرآن کریم، اصل بر دفع ظالم و متکبر و مقابله با آن قرار داده شده و خداوند متعال در قرآن کریم با اشاره به آیه «وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره: ۲۵۱)؛ «و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، زمین تباه می‌شود»، به قاعده دفع ظالمان و متکبران به عنوان خواست پروردگار اشاره دارد.

رهبر معظم انقلاب بر این اساس، استکبار را قدرتی قلمداد می‌کند که به منافع ملت‌ها، خواست انسان‌ها و ارزش‌های انسانی، بی‌توجه است و تنها به خود و منافع خود توجه دارد. در نگاه رهبر، استکبار منافع خود را با روحیه‌ای برآمده از تکبر، افق‌خواهی و زورگویی دنبال کرده و با زبان زور، خشونت و بیرحمی در پی تحقق آن است. (بیانات، در اجتماع مشهد مردم، ۱/۲/۱۳۹۴)

۳. مفهوم‌شناسی تمدن‌سازی

تمدن‌ساز مفهومی برگرفته از تمدن است. تمدن در واقع عبارت است از مجموعه اندوخته‌های مادی و معنوی انسان‌ها (سید، ۲۸۳۳، ص ۱) که از دید رهبر معظم انقلاب در بهتر پیشرفت‌های مادی و معنوی و با اهداف می‌آید. (بیانات، در دیدار اقشار گوناگون مردم، ۲۲/۵/۱۳۸۴) تمدن‌سازی که در اندیشه رهبر انقلاب با عنوان ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان هدف غایی انقلاب مطرح می‌شود (بیانات، در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۲۲/۲/۱۳۸۹) در جا جا بیانات ایشان مورد توجه قرار گرفته و به واقع می‌توان اندیشه رهبر معظم انقلاب را تمدن‌ساز عنوان کرد.

تمدن‌سازی اسلامی به دلیل وجود دستگاه و نظام فکری اسلامی پر قدرت و کارآمد، امکان‌پذیر نیست. این نظام هدفمند، که دارای اجزا، ارتباط و هماهنگی بین اجزاست، (چرچمن، ۲۸۳۵، ص ۱۴) بر سه رکن استوار است. رکن نخست اهداف نظام است و اجزای نظام برای رسیدن به آن، در کنار هم قرار گرفته‌اند. رکن دوم اجزای نظام است که کلیت نظام بدون اجزای آن، بی‌معناست. (دورا، ۲۸۱۴، ص ۸۱-۱۱) رکن سوم ارتباط میان اجزای نظام است. در حقیقت، نظام کل معینی است که از اجزا با ارتباط متقابل، تشکیل شده است؛ به طوری که کل نظام‌مند را شکل می‌دهد. درواقع، می‌توان همین عناصر را در ساختار فکر مقام رهبری به عنوان اندیشه تمدن‌ساز مشاهده کرد که با هم افزا مجموعه‌ای از اجزا و عناصر فکر نظام‌مند در ارتباط با یکدیگر، به شکل هدفمند در عرصه نظام بینشی، ارزشی و کنشی سامان یافته است.

۴. مبانی هستی‌شناسانه استکبارستیزی

دین اسلام مجموعه‌ای به هم پیوسته از باورها و دستورالعمل‌ها برگرفته از وحی الهی درباره جهان هستی، انسان و آینده است که هدفش هدایت انسان به سوی سعادت و کمال حقیقی است. تنها داشتن باور و ایمانی قلبی از سوی قرآن کریم و اسلام پذیرفته نمی‌شود؛ بلکه ایمان حقیقی از نظر اسلام، ایمانی است که همراه با رفتار و پایبندی عملی به احکام و مقررات دینی باشد. از این رو، در آیات بسیاری از قرآن کریم، ایمان و عمل صالح در کنار هم موجب رستگاری معرفی شده‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز براساس این مبانی اسلامی، حاکمیت اندیشه بر عمل را پذیرفته‌اند و براین باورند که مباحث نظری و جهان‌بینی دارای آثار رفتاری و عملی است. ایشان باور دارند که اصول اعتقاد و جهان‌بینی اسلامی علاوه بر سامان‌دهی اندیشه‌ها و باورها، رفتار انسان را نیز هدایت و

جهت‌دهی می‌کند. رهبر انقلاب در جمع متوال و کارگزاران نظام با اشاره به اثرپذیری رفتار انسان از جهان بینی او در این باره می‌فرماید:

یک وظایفی به‌طور کلی بر عهده ماست، هم ما به‌عنوان دولت و حکومت‌ها و هم به‌عنوان یک مسلمان؛ اما این وظایف یک مبنای فکری دارد. خصوصیت تفکر اسلامی و مکتب اسلامی و دینی این است. اگر بحث می‌کنیم از اینکه باید آزادی باشد یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد... یا کسری از این برنامه‌های اصلی و اساسی است که به‌آبشخور اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی. (بیانات، در جمع کارگزاران نظام اسلامی، ۲۱/۱/۱۳۸۱)

از سوی دیگر یکی از عناصر قوام‌بخش شکل وجود انسان، نوع جهان‌بینی حاکم بر اوست. جهان‌بینی و برداشت فکری که انسان از جهان دارد، رویکردها و جهت‌گیری‌های او را درباره مسائل پیرامونش در عرصه اجتماع تعیین می‌کند. جهان‌بینی همچنین شخصیت انسان را شکل می‌دهد و بر رفتارهای او تأثیر مستقیم می‌گذارد. در اندیشه رهبر انقلاب، شخصی که به خدا، قیامت، حضور در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل باورمند است، در دنیا به‌گونه‌ای عمل می‌کند و شخصی که این جهان‌بینی را ندارد، رفتارش دیگر است؛ پس جهان‌بینی هر کس در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد. (حسینی، خامنه‌ای، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۲)

در مجموع، شناخت عناصر جهان‌بینی فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، جهت‌گیری و اندیشه معظم له درباره موضوع استکبار و مبارزه با آن را شکل می‌دهد و این جهان‌بینی در حقیقت همان اصول و جهان‌بینی اسلام است که زیربنای نظام سیاسی و توابع آن از جمله استکبارستیزی قرار گرفته است.

۴-۱. نظام توحید

اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم در آموزه‌های اسلام و جهان‌بینی الهی، یگانگی خداوند متعال است. «وَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ و معبود شما معبود یگانه‌ای است که جز او معبودی نیست.» (بقره: ۱۶۳) خداوند متعال همچنین آموزه توحید را در رویارویی با مشرکان به پیامبر خویش چنین یادآور می‌شود: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِمْوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ؛ ای پیامبر، بگو همانا اوست خداوند یگانه و یکتا و من از آنچه بر او شریک قرار داده‌اید، بیزارم.» (انعام: ۱۹)

اصل توحید در اندیشه رهبر، به معنی باور به وجود خدا و قدرت غیبی او و حاکمیت علم، قدرت، عزت، جلال، جمال مطلق، اراده و خواست او بر هستی است. (بیانات، در دیدار کارگزاران نظام،

۱۱/۱۱/۱۳۸۵) همچنین امور دیگر به نحوی از انحا به توحید باز می‌گردد؛ بنابراین، نباید توحید را تنها به مفهوم باور به یکتایی خداوند و نفی شریک بر او دانست؛ چراکه این ظاهر مفهوم توحید است و باطن آن اقیانوسی بیکران است.

مفهوم توحید در جهان‌بینی اسلام، مفهومی تنها اعتقادی و کلامی نیست، بلکه مفهومی است که رفتار و کردار فرد و اجتماعی انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و آثار آن در جامعه آشکار می‌شود. از این منظر است که مقام معظم رهبری نیز توحید را جهت‌دهنده به همه عرصه‌های زندگی انسان مؤمن به‌شمار می‌آورد و نظام سیاسی اسلام را جلوه‌گاه این باور می‌داند.

توحید قرآن تنها نگار به بافته‌ها و غیرمسئول نیست. شناختی متعهد و بینش فعال و سازنده‌ای است که در بنای جامعه و اداره آن و ترسیم خط سیر آن و استراتژی و تعیین هدف آن و تعیین عناصر حفظ و ادامه آن، دارای تأثیر اساسی و تعیین‌کننده‌ای است و اصطلاحاً توحید از ارکان اسلام بلکه رکن اصلی آن نیز هست. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۱)

در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، توحید ابعاد سیاسی-اجتماعی دارد و در تاروپود زندگی انسان‌ها حاکم است. در این دیدگاه، توحید رهایی انسان از اطاعت و تقلید در برابر هرکسی جز خداست. از این رو، انسان یکتاپرست از بندگان سلطه نظام‌های بشری رهایی می‌یابد و هیچ ترسی از قدرت‌های شیطانی و مادی به دل راه نمی‌دهد؛ چراکه به اقتدار بینهایتی که خداوند در دل او قرار داده، تکیه کرده است و به وعده الهی در پیروزی مستضعفان بر ستمگران و متکبران به شرط قیام، مبارزه و استقامت باور دارد. این درحالی است که هر زمان از توحید ناب اسلامی و زندگی مبتنی بر آن غفلت شود، صحنه برای سلطه استکبار و استعمار باز شده و به خدایان زر و زور، فرصت تاخت‌وتاز داده می‌شود. در این شرایط بوده است که دشمنان با نقشه‌های خود دین را در کشورهای اسلامی از صحنه زندگی خارج کرده و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقق بخشیدند. (پیام مقام معظم رهبری به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۶۹)

نظام توحید که اساس فکر و باور آن بر یگانگی خداوند متعال و نفی شریک بر او استوار است، جدا از اعتقاد تنها، همچنان که بیان شد از ابعاد سیاسی-اجتماعی برخوردار است که رفتار انسان یکتاپرست را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از سویی این گستره فراگیر نظام توحید آثار و لوازم را در ارتباط با مفهوم استکبارستیزی به‌همراه دارد که رابطه ناگسستنی با این باور دارد و لازم و ملزوم یکدیگر به‌شمار می‌رود.

در نظام توحید، انسان‌ها از حقوق و فرصت و امکانات یکسان برخوردارند و هرکس به‌موجب سعی و کوشش خود از موهبت‌های الهی بهره‌مند خواهد شد. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای انسان‌ها همانا ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را در قالب تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به‌درستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است.» (حجرات: ۱۳) در این نظام، هیچ گروه و طبق خاصی وجود ندارد و هیچ فردی از امتیاز ویژه‌ای برخوردار نیست؛ تنها عامل تقرب به پروردگار تقوای الهی است.

بر مبنای نظام توحید، تفاوت‌ها لازم نظام آفرینش و به‌خاطر تسهیل امور و نظم‌دهی اجتماعی مردم قرار داده شده است و به‌هیچ‌وجه، مبنای تبعیض و برتری در جامعه نیست. در این نظام، هم انسان‌ها از آن رو که آفریده خداوند یگانه هستند، با هم برابرند. در این زمینه، هم فضایل و امتیازهای مادی و معنوی اکتسابی است و به تلاش و اراده انسان‌ها بستگی دارد.

نظام توحید انسان‌ها را در رابطه با جامعه جهانی دارای حق برابر می‌شناسد. امکانات و فرصت‌ها به‌طور مساوی در اختیار و از آن همگان است تا از این بساط گسترده، هرکس به‌قدر نیاز و در شعاع سعی و عمل خود، بهره‌گیرد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴، ص ۴۱)

در گام نخست از بنیان‌های توحید، هیچ انتان اجازه سلطه و حاکمیت بر هم کائنات به‌طور عمومی و خاص را ندارد؛ چراکه هم انتهاها در مقام بندگی در پیشگاه خداوند متعال هستند و از رتبه‌ی یکتا و برابر برخوردارند.

و بر همین اساس، هرگونه اعمال زور، تفاوت‌پرستی و تبعیض میان بندگان را باید رد کرد و از طاغوت بپرهینند. (سوره نحل: ۸۴) در این نفی طاغوت‌ورزی، و می‌یابند که منشأ و معیارهای گوناگون در مکاتب مختلف فکری مانند زور، سلطه، وراثت، شرافت قومی و قبیله و نژاد و خواست مردمی وجود ندارد. (حجرات: ۲۸) بر مبنای همین بنیان است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، انتهاها را در پیشگاه الهی برابر می‌دانند و بندگی یکتای خدا را در موجودات، توحید می‌نامند و معتقدند کسی که به خدا، قیامت، حضور در برابر خدا، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل باورمند است، در دنیا به‌گونه‌ای رفتار می‌کند و کسی که این جهان‌بینی را ندارد، رفتار دیگری دارد؛ زیرا جهان‌بینی هر فرد در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد. (حسینی، خامنه‌ای، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱)

رهبرانقلاب در این زمینه، معتقد است که انقلاب اسلامی با پیروزی خود، سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را رد کرده و با تن ندادن به سلطه در جهان بیداری ملت‌ها را در عرصه‌های مختلف بیدار کرده است. (بیانات رهبر در دانشگاه علوم نظامی، ۱۳۸۴/۱۱/۲۸) ایشان با بیان اینکه انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، نظام ظالمانه سلطه را رد می‌کند، در این باره معتقد است:

ما رفتار نظام سلطه را به هیچ‌وجه باور نداریم. البته، داعیه سلطه‌گرایی نداریم، اما در هیچ موضوعی، به‌ویژه در سیاست و دیپلماسی، ما بر مدار «سلطه‌پایر» و می‌دانیم که نظام سلطه از قاعدهٔ سلطه‌گری برمی‌آید. (بیانات، در یادگار وزارت خارجه، ۱۳۶۴/۱۱/۳۱)

۳-۱-۴. ستیز با استکبار و مستکبران

در نظام توحید، اصل دفع ظالم و متکبر و مقابله با آن، در قرآن کریم به‌عنوان اصل حاکم بر نظام توحید آمده است. قرآن چنین می‌گوید: «وَلَا تَجْعَلْ لِلَّهِ أُنْدَادًا ۖ وَأَنْتَ تَعْلَمُ» (نحل: ۹۲)، یعنی و معبود شما، معبود یگان‌های است که جز او، معبود دیگری نیست. پیامبر اکرم می‌فرماید: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳): «جز مودت نسبت به اهل بیت، هیچ پاداشی نمی‌خواهم.»

در این نظام، حاکمیت قدرت، اراده و خواست الهی جایگاهی ندارد و همه چیز در دنیا و مادیات، به خداوند نسبت داده می‌شود. مردان و زنان مشرک، به خداوند متعال گماشته می‌شوند و معتقدند که خدا، تنها، منشأ و سرمنشاء جهان است و باید در آن سر تعظیم فرود آورد. (فتوای امام، ۱۳۹۹/۱/۴) این باور شرک‌آلود، آثار خود را در زندگی فرد و جامعه نشان می‌دهد و زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، توحید نفی هرگونه بت و ارباب‌نیا را در برابر حقیقت شرک می‌داند. ایشان یکی از مهم‌ترین مظاهر شرک در دنیای کنونی را ساخته و پرداختهٔ دنیا و آخرت می‌دانند که آموزه‌های آن جدایی میان زندگی دنیا و دین را هم‌رسان است. در این نظام، خدا را بر ترس و ارادهٔ قدرت‌های زورگو، فرمانروایان دنیا، حاکم می‌دانند؛ کسانی که مستضعفان و مظلومان را به استضعاف و استثمار کشانده‌اند و باید پیشانی اطاعت را بر فرمان‌های آنان سایید و در برابر زورگو و غارتگر و میل و اراده بی‌مهرانه آنان سر تسلیم فرود آورد و اعتراض نکند. این شرک است که امروز باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۲/۲۱)

این تعبیر مقام معظم رهبری آشکارا نشان می‌دهد که استکبار جهانی و طیف زورگویی و چپاولگر، زاییدهٔ نظام شرک‌محور است؛ نظام‌هایی که زورگویی، غارتگری و میل و هوس، شاکلهٔ

وجود آنان را تشکیل می‌دهد و مبتنی بر تضعیف و مظلوم‌نمایی است و این‌ها، در برابر مقاومت و ایستادگی ملت‌ها، ناکام می‌مانند.

۲-۴. نظام شرک

در مقابل نظام توحید، نظامی مبتنی بر شرک و الحاد قرار دارد. همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳)، یعنی «روابط شرک، ظلم عظیم است.» در این نظام، حاکمیت قدرت، اراده و خواست الهی جایگاهی ندارد و همه امور، به جز ذات خداوند، شریک و دیگران، به‌ویژه مشرکان، در آن سهیم‌اند. طرفداران این نظام معتقدند که خداوند یگانه و یکتا است و از آنچه بر او شریک قرار داده‌اند، بی‌خبر است. این نظام بر حاکمیت قدرت، اراده و خواست الهی جایگاهی نداشته و همه چیز در دنیا و مادیات، به‌عنوان نتایج و خواسته‌های شرک، قرار می‌گیرد. مردان و زنان مشرک، به خداوند متعال، مشرک هستند و باور دارند که او از آنچه بشر بر آن شرکت جسته، بی‌خبر است. (فتح: ۴)

این باور شرک‌آلود، آثار خود را در زندگی فرد و جامعه نشان می‌دهد و همه روابط، به‌ویژه در مشکلات اجتماعی و فردی، تحت تأثیر شرک قرار دارد. در اندیشه رهبر معظم انقلاب، توحید نفی هرگونه شرک است و در مقابل آن، اعتقاد به بت‌ها و اربابان، و گرنه، شرک، منشأ و پایه هر نوع انقلاب، کمال، رشد و پیشرفت است.

ایشان یکی از مهم‌ترین مظاهر شرک در دنیای کنونی را، تبلیغات و ترویج نگرش‌های دینی و سیاسی ناپسند و خلاف اسلام دانسته و معتقد است، که این نگرش‌ها، به‌صورت مستقیم، موجب تضعیف ایمان و باور صحیح، به‌ویژه در نسل‌های جوان و دانشگاهیان، شده است. در نتیجه، باید تمامی کسانی که در کار ترویج و تبلیغ این خط‌ها هستند، با قاطعیت، از آن‌ها برائت جویند. (بیانات، ۱۳۸۲/۲۱/۲۲)

۳-۴. جبهه حق و باطل

بر مبنای جهان‌بینی اسلامی، نظام آفرینش براساس دو جبهه حق و باطل شکل گرفته است و انسان‌ها هر کدام در یکی از این دو جبهه صف‌بندی می‌شوند. این مبنا، برگرفته از آیات انحصاری سوره مبارکه مجادله (مجادله ۲۳-۱۱) است و در قالب دو واژه «حزب الله» و «حزب الشیطان» تجلی یافته است. در واقع، نشان‌دهنده این حقیقت است که پیامبران و اولیای الهی با عنوان «حزب الله» و پیروان آنان، مؤمنان دنباله‌رو، در جبهه حق قرار می‌گیرند و در برابر شیطان و سربازان انسی و جنی آن به عنوان «حزب الشیطان» در جبهه باطل قرار دارند. مبارزه‌ی این دو

جبهه از آغاز آفرینش وجود داشته است و تا پایان ادامه خواهد یافت؛ چراکه در این مبارزه، انسان‌ها در معرض امتحان و آزمون قرار می‌گیرند و به مسیر سعادت و شقاوت رهنمون می‌شوند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پرتو این نگاه به نظام هستی، با اشاره به دو جبهه حق و باطل، بر این باور است که گروهی که اهل فکر و فرهنگ و معرفت‌اند، برای جبهه حق کار می‌کنند و با تشخیص درست حق، در مسیر آن حرکت می‌کنند. در مقابل، گروهی دیگر قرار دارند که ضد حق‌اند و از طرفداران باطل به‌شمار می‌آیند. ایشان با توجه به اینکه جبهه باطل در حال برنامه‌ریزی و دشمنی و ستیز با جبهه حق است، وظیفه نیروهای جبهه حق را جنگیدن و مقابله با این اقدامات می‌داند که امری حتمی و تخلف‌ناپذیر است و نباید از آن غافل شد. (بیانات، در جمع فرماندهان لشکر ۱۱ حضرت رسول (ص)، ۱۳۸۵/۸/۲۸)

بر مبنای تداوم وجود دو جبهه حق و باطل در نظام هستی، زمانی که انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اسلام و قرآن کریم و به عنوان مظهر حق پا به عرصه وجود گذاشت، طبیعی بود که استکبار جهانی به عنوان جبهه باطل، حاکمیت اسلامی را برای خود خطر جدی بداند و با انواع ترفندها و توطئه‌ها خود به مبارزه با حاکمیت اسلام برخیزد. (بیانات، در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۲/۲۱) همواره در طول تاریخ، این ستیزه‌جویی در ذات جبهه باطل وجود داشته و دشمنی‌های استکبار جهانی به عنوان مصداق امروز آن در این زمینه قابل ارزیابی است.

از سوی دیگر، مبارزه جبهه حق با استکبار در حقیقت مبارزه با مظهر رفتار و عملکرد باطل است که امروز در استکبار جهانی، تجلی پیدا کرده است.

در اندیشه مقام معظم رهبری، آنچه موجب شده استکبار به عنوان جبهه باطل همه فشارهای خود را به ملت ایران وارد کند، دفاع از حق خود و مبارزه با دیکتاتوری و سلطه خارجی است. پایبندی به این شاخص‌ها در جبهه حق موجب می‌شود که مستکبران جهانی منافع زیاده‌خواهانه و تجاوزگرایانه خود را در معرض تهدید ببینند و بر اساس خوی ظالمانه‌شان، با این جبهه به مبارزه بپردازند.

ملت ایران در حرکت خود، مظلوم است، چرا؟ برای اینکه ملت ایران این مبارزه را برای تجاوز و تعدی به کسی یا تهدید به وجود نیامورد؛ بلکه این حرکات عظیم را برای دفاع از حق خود و مبارزه با دیکتاتوری و سلطهٔ خارجی انجام داد. هر ملت و انسانی حق دارد از آزادی و کرامت خود دفاع کند و زندگی را بسازد. بنابراین، کسانی که به ملت ایران از طرق مختلف سیاسی و غیرسیاسی حمله می‌کنند، در واقع به ملت ایران ظلم می‌کنند. چون حرکات ملت ایران منافع زیاده‌خواهانه و

تجاوزگرانه آن‌ها را تهدید کرده و آن‌ها می‌خواهند از ملت ایران انتقام بگیرند. پس حق با ملت ایران است. (بیانات، در اجتماع اساتید و بسیجیان دانشجو، ۱۳۹۰/۳/۲۱)

۵. مبانی معرفت‌شناسانه استکبارستیزی

بر اساس مشاهده‌های تاریخی، انسان‌ها از دیرباز معارف خود را از چهار منبع به دست می‌آورده‌اند. حس و تجربه به عنوان نخستین منبع معرفت که سرچشمه معارف دیگر نیز تلقی می‌شد و مورد توجه ویژه بشر بوده است؛ پس از آن، بشر از عقل خداداد خویش به عنوان ابزار کسب معرفت بهره برد؛ سرانجام شهود و وحی به عنوان دو منبع معارف بشر مطرح بوده است. بر مبنای معرفت‌شناسی دینی، این چهار منبع در کنار هم و توأمان هر کدام در جایگاه خود، می‌توانند معارف حقیقی را برای بشر فراهم آورند. البته در این مجال، تبیین مبانی فکری

مراد از «معرفت دینی» نوعی از معرفت است که با وصف دینی بودن از معرفت‌های دیگر متمایز می‌شود.

مراد از دین در اینجا، دین وحیانی است؛ یعنی آنچه از راه وحی بر پیامبران الهی فرستاده شده است. چون از دیدگاه ما، دین اسلام آخرین دین و شریعت آسمانی است، مقصود ما دین اسلام است. در این زمینه، کتاب و سنت منابع معرفتی دین و شریعت اسلام را تشکیل می‌دهد. اگر از آن، به معرفت دینی تعبیر می‌شود، مقصود معرفتی است که جواز طریق دین (وحی) به دست نمی‌آید، در حالی که معرفت حاصل از عقل و تجربه محصور به دین نیست و برای همگان، قابل درک است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۸: ۱۱)

سخن از مبانی معرفت‌شناختی استکبارستیزی، که برآمده از معرفت دینی است، زمانی محقق خواهد شد که ما بتوانیم دفاع شایسته‌ای از اعتبار معرفتی باور دینی داشته باشیم. برای این امر، نخست معیارهای معرفتی مناسب را بیابیم که مقتضای وضعیت معرفتی انسان در همه عرصه‌هاست؛ سپس، نشان دهیم که وضعیت جهان موجود به گونه‌ای است که با توجه به این معیارها، اقتضای باور دینی را دارد و نداشتن باور دینی یا ناشی از غلبه برخی خواسته‌ها و احساسات معارض و یا به دلیل پیروی از معیارهای معرفتی نامناسب است.

۵-۱. خداباوری

بر مبنای آموزه‌های اسلام، اساس معرفت بشر شناخت خداست؛ به طور که پیامبر اسلام (ص) اساس علم و معرفت را شناخت خدا، آن گونه که شایسته اوست، می‌داند و برترین مؤمنان را کسانی می‌داند که بالاترین شناخت را داشته باشند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَعْلَمِ النَّاسِ؟» قَالُوا: «بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص)؟» قَالَ: «أَعْلَمُهُمْ بِاللَّهِ». مردی از رسول خدا (ص) پرسید بالاترین مرتبه علم چیست؟ رسول خدا (ص) فرمود شناخت خدا آن چنان که شایسته اوست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵: ۱۳۵) این اصل اولیه در معرفت‌شناسی دینی از آن رو مهم است که بینش انسان را در عرصه باورها و فکرش جهت می‌دهد.

۲-۵. مشیت الهی مبتنی بر مقابله با استکبار

بر مبنای معرفت دینی، اراده الهی بر مبارزه و مقابله با مستکبران و زورگویان جهان قرار گرفته است تا فساد در زمین فراگیر نشود و از نابودی مظاهر ذکر و یاد خداوند جلوگیری شود. (بقره ۲۵۲) زورگویان و مستکبران بر اساس ذات ستیزه‌ناپذیرشان در پی منافع زیاده‌خواهانه خود و گسترش سلطه خویش بر روی زمین هستند. چنانچه با گسترش سلطه آن‌ها مقابله نشود، فساد و تباهی فراگیر خواهد شد.

انگیزه‌های شیطانی، زیاده‌طلبی‌ها و قدرت‌مداری‌ها همیشه بوده است، مخصوص امروز نیست. اگر در برابر این انگیزه‌های شیطانی، جنود رحمان، بندگان واقعی خدا، انسان‌های عازم مؤمن نمی‌ایستادند و از قدرت الهی خود برای متوقف کردن تجاوز و زورگویی استفاده نمی‌کردند، امروز وضع بشریت به مراتب از آنچه هست، بدتر بود. اگر در دنیا، معنویت باقی مانده است، اگر ارزش‌های انسانی، هنوز وجود دارد، اگر ایمان به خدا هنوز می‌تواند به طور پیوسته جای خود را در دل‌ها باز کند، اگر صلاحی هست، اگر راه مستقیمی پیش بشریت است، به برکات همان ایستادگی‌هاست. (بیانات، در صبحگاه نیروی دریایی سپاه، ۱۳۷۲/۸/۲۱)

در شرایط کنونی جهان، نظام سلطه به رهبری آمریکا به دنبال گسترش نفوذ خود در نقاط گوناگون جهان است و می‌بینید این کشور برای کسب منافع خویش، از هیچ اقدامی فروگذار نیست. در این زمینه، آمریکا به همراه دیگر کشورها نظام سلطه، بسیاری از ملت‌های جهان را به استضعاف کشیده و از منافع آن‌ها بهره جسته است؛ واقعیتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی سال‌ها پیایی متذکر می‌شود. ایشان در این زمینه، اقداماتی مانند غارت ملت‌ها، حمله به ملت‌ها، دروغ‌پراکنی، توسعه فساد در عالم و تحمیق بسیاری از قشرهای مردم را از جمله کارهایی

می‌داند که سردمداران آمریکا و دیگر قدرت‌مندان ظالم و ستمگر عالم برای گسترش سلطه خود، در جهان انجام می‌دهند. (بیانات، در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱)

شواهد کنونی در عرصه جهانی و سلطه روزافزون کشورهای نظام سلطه به رهبری آمریکا، نشان می‌دهد که مبانی معرفت دینی استکبارستیزی واقعیت انکارناپذیر جهان امروز است. در این شرایط، تنها راه چاره مبتنی بر معرفت دینی، مبارزه با استکبار است، ولی نکته در این است که چرا عموم و تمایل جدی به موضوع استکبارستیزی در جهان و میان ملت‌ها وجود ندارد و این موضوع مهم در شرایط کنونی جهان مغفول مانده است؟

در پاسخ به این پرسش، دلایل گوناگونی را می‌توان بیان کرد. یکی از مهم‌ترین این دلایل، سیطره ی دولت‌ها در عرصه جهانی است که میدان را بر ملت‌ها و توده‌های مردم بسته و با فشار و اعمال زور، از بیان خواسته‌ها و نقش‌آفرینی‌شان جلوگیری می‌کنند. (بیانات، در جمع کارگران و معلمان، ۱۳۷۲/۲/۲۲) بیشتر دولت‌های جهان به دلایل گوناگونی مانند اشتراک منافع با قدرت‌های مستکبر جهانی، مرعوب شدن در برابر مستکبران، تلاش برای بقای قدرت خویش و همسویی در رویکردها معرفتی، با سیاست‌های سلطه‌طلبانه و زورگویانه استکبار همراه شده‌اند و عرصه را برای آزادی‌خواهان و استکبارستیزان جهان تنگ کرده‌اند.

از سویی دلیل دیگر که به ایجاد شرایط کنونی دامن زده، نبود مبانی و آموزه‌ها معرفتی درست در میان مردم جهان و یا ایجاد مانع در رسیدن این مبانی و آموزه‌ها به گوش آن‌هاست. امروزه، نظام لیبرال - دموکراسی غرب می‌کوشد آموزه‌های خود را به شکل گسترده در جهان بپراکند و با استفاده از ابزار رسانه و تبلیغات وسیع به این مهم دست یابد. این جریان معرفتی از سویی تلاش می‌کند آموزه‌های رقیب، به‌ویژه اسلام، را با روش‌های گوناگون، به انزوا بکشاند و آن را از صحنه خارج کند. این در حالی است که در این شرایط، مردم ایران به همراه بخشی از مردم منطقه و جهان به برکت انقلاب اسلامی و طرح مبانی و آموزه‌های معرفتی دین اسلام، از جمله مفهوم استکبارستیزی، به این بلوغ و شناخت دست یافته‌اند و ضروری است با تلاش و پیگیری مجدانه، این آموزه‌های معرفتی در سطح جهان فراگیر شود.

۶. مبانی روش‌شناسانه استکبارستیزی

در نظام فکر - سیاسی که مبتنی بر سه جو کلان هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است، اجزا آن در ارتباط متقابل با یکدیگر به شکلی هدفمند سامان می‌یابند و در این الگو ساختار است که روش‌شناسی نقش ارتباط با عالم واقع را ایفا می‌کند. این بخش حلق اتصال عالم

فکر و نظر به عالم واقع است و به آن مفاهیم نظر فعلیت می‌بخشد. در این زمینه، مبتنی بر الگو ارائه‌شده، مباحث مربوط به روش‌شناسی در عرصه استکبارستیزی واکاوی و رویکردهای روشی رهبر معظم انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود.

۱-۶. شناخت دشمن و نقشه‌های آن

در مسیر مبارزه با استکبار، شناخت درست دشمن و برنامه‌های آن یکی از ضرورت‌های اساسی است. اگر در عرصه مبارزه، شناخت دقیقی از دشمن وجود نداشته باشد، اقدامات لازم و متناسب با آن، چه از نظر تدافعی و چه از نظر تهاجمی، صورت نخواهد گرفت و در نتیجه، شکست را به همراه خواهد آورد. بر اساس همین ضرورت، رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه دشمن بیرونی ما نظام سلطه بین‌المللی یا همان استکبار جهانی است، مظهر امروز آن را شبکه صهیونیت جهانی و دولت کنونی آمریکا معرفی می‌کند. ایشان بر این باور است در رویارویی با این دشمن، نیاز است نخست آن را شناخت و از نقشه‌های او آگاه شد؛ چراکه امروز دشمن برای ملت ایران نقشه‌ها دارد و برنامه‌ریزی می‌کند و باید این نقشه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها شناخته شود. (بیانات، در حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۴/۲/۲)

۲-۶. آمادگی مقابله با استکبار

بعد از آنکه بر اساس مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دینی، مبارزه با مستکبران جهان امر قطعی تلقی شده و در این مبارزه، دو جبهه حق و باطل تعریف می‌شود، گام نخست و ضروری داشتن آمادگی لازم برای مقابله با دشمن است؛ چراکه در میدان مبارزه زمانی پیروزی به دست خواهد آمد که نیروها آمادگی کافی برای مقابله با دشمن و برنامه‌های آن را داشته باشند و در خواب غفلت به سر نبرند. از سویی طبق تجربه تاریخی، باورترین تبیین مبانی فکری شکست‌ها در جنگ زمانی رقم خورده که یکی از طرف‌های درگیر از حمله طرف مقابل بی‌خبر بوده است.

از سو دیگر، یکی از مسائل مهم در مبارزه با استکبار، که آن را از نبردهای دیگر متمایز می‌کند، گستردگی عرصه مبارزه است. به گفت رهبر معظم انقلاب اسلامی، این جبهه مبارزه تنها به عرصه نظامی محدود نیست و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصاد را نیز در بر می‌گیرد. این گستردگی جبهه نبرد به دلیل عدم تمرکز، فرایند مقابله را دشوارتر می‌کند و نیازمند همت و تلاشی دوچندان است.

ملت ایران بایستی همانطور که تا کنون آگاه بوده، آگاه‌تر باشد. آمریکا، انگلیس و استکبار را درست بشناسد و خود را برای مقابله‌های احتمالی نه فقط در زمینه نظامی، در زمینه‌های دیگر

فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آماده کند. پیام من به جوانان کشورمان... این است که همت کنید و عزم و اراده‌ی خود را تقویت نمایید. در میدان‌های گوناگون، شجاعانه خود را مهیا کنید و آماده باشید. ممکن است ما هرگز جنگ نظامی نداشته باشیم؛ اما یقیناً جنگ سیاسی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی خواهیم داشت. (پیام نوروزی، ۱۳۷۱/۱/۱)

۳-۶. حضور در صحنه

ایمان در مقوله‌ی معرفت دینی، دایره‌ای گسترده است که هم ابعاد زندگی انسان مؤمن را در بر می‌گیرد. روشن است که ایمان به برخی از عقاید و دستورها و باور نداشتن برخی دیگر مورد پذیرش پروردگار نیست. انسان مؤمن با ورود به دایره‌ی ایمان، موظف به پایبندی به همه اصول و فروع باورهای دینی است و پایبند نبودن به برخی از آن‌ها برای او جایز نیست؛ چرا که هر فرع اعتقاد به اصلی اعتقاد باز می‌گردد و از سویی، هم اصول اعتقاد نیز در عین تکرر، بازگشت به امر واحد یعنی ذات بار تعالی دارند. بر این اساس، نپذیرفتن و یا بی‌توجهی به موضوع استکبارستیزی، که یکی از فروع مبانی باورهای معرفت دینی است، علاوه بر آنکه از جانب انسان مؤمن پذیرفته نیست، یکی از تهدیدها جدی در این عرصه نیز شمرده می‌شود.

راهکار مبارزه با این تهدید، حضور انسان مؤمن در صحنه جنگ است. اگر این مهم حاصل شود به اعتقاد رهبر معظم انقلاب اسلامی، دشمنان و مستکبران نخواهند توانست این ملت و انقلاب شکست دهند و در توطئه‌های خود ناکام خواهند ماند. همچنان که به تعبیر ایشان، امروز هم قشرهای ملت در صحنه‌اند و احساس مسئولیت می‌کنند. (بیانات، در حرم مطهر رضوی، ۲۸۴۳/۲/۱)

۶-۴. ایستادگی و مقاومت

دفاع و مقاومت یکی از ویژگی‌های ملت زنده است. در دنیایی که هوس‌ها و انگیزه‌های مادی به جای ارزش‌های معنوی بر صاحبان قدرت و مستکبران حکمرانی می‌کنند، هیچ ملتی نمی‌تواند از هیچ مرکز و منبع دیگری، جز قدرت درونی خود، که خداوند به او عنایت کرده، امید کم و حمایتی داشته باشد. ملت‌ها در این شرایط، باید به خود متکی باشند تا بتوانند عزت خود را حفظ کنند. در موضوع دفاع و استقامت، این نکته اساسی است که تا دشمن و دشمنی وجود دارد، تهدید هم وجود دارد و تا تهدید هست، ایستادگی و دفاع نیز باید وجود داشته باشد. در این شرایط، آنچه ضامن بقا و عزت هر ملتی است، همانا ایستادگی و مقاومت آن است.

بنای استکبار و زورگویی در عالم این است که همه‌ی دولت‌ها و به تبع آن‌ها، همه‌ی ملت‌ها را وادار کند تا منطق زور و ظلم و بی‌انصافی او را قبول کنند و از همان راه، حرکت کنند... مگر چنین چیزی می‌شود؟ ممکن است بعضی از دولت‌ها به خاطر منافع شخصیِ مسوولان خود تسلیم شوند؛ اما دولت‌ها و ملت‌هایی که به نام اسلام سخن می‌گویند، به نام استقلال و هویت ملی خود موضع می‌گیرند و حق می‌گویند و دنبال حق می‌روند، مگر ممکن است تسلیم شوند؟ (بیانات، در جمع کارگران و معلمان، ۲۳۱۲/۱/۲۲)

رهبر انقلاب اسلامی با طرح این پرسش که در برابر سیلی که از سوی استکبار آغاز شده و در سه عرصه ی اقتصاد، سیاسی و فرهنگی در پی قبضه کردن منابع اقتصادی، از بین بردن هویت سیاسی و گسترش فرهنگ سلطه است، آیا نمی‌توان مقاومت کرد؟ ایشان باور دارد که می‌توان مقاومت کرد و این سرنوشت محتوم کشورها نیست. چرا که امکانات، توانایی‌ها و ظرفیت‌های مستکبران و سلطه‌طلبان جهان محدود است و نمی‌توان اینگونه تصور کرد که هرچه مقتدران بخواهند، ناگزیر محقق خواهد شد. (بیانات، در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۲۸۳۲/۸/۱) این رویکرد ایستادگی و مقاومت تنها راه مقابله با استکبار جهانی و غلبه بر آن است و در جای جای اندیشه‌ی مقام معظم رهبری به چشم می‌خورد و به عنوان محورترین مفهوم روش‌شناختی درباره‌ی مفهوم استکبارستیزی در منظومه فکری ایشان مطرح است.

۵-۶. دفاع از مظلوم

استکبار به دلیل خوی ظالمانه و زورگویانه‌ی خود در تلاش است با به استضعاف کشیدن ملت‌ها ضعیف و محروم، منافع خود را هرچه بیشتر تأمین کند و سلطه خویش را بر جهان بگستراند. این ویژگی استکبار سبب شده در طول تاریخ، همواره برخی از ملت‌ها زیر سلطه قرار گیرند و به آن‌ها ظلم و اجحاف شود. در این شرایط، یکی از وظایف پیامبران الهی خارج کردن این ملت‌ها از سیطره ظالمان و کمک به آن‌ها بوده است. نمونه ی آشکار این موضوع رسالت حضرت موسی (ع) در خارج کردن قوم بنی‌اسرائیل از سیطره و ظلم فرعونیان بود.

وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكَ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكَ وَفِي ذَٰلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ ﴿الاعراف: ۱۴۱﴾

(و [یاد کنید] زمانی را که شما را از فرعونیان نجات بخشیدیم؛ آن‌ها که همواره شما را شکنجه می‌دادند، پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را [برای خدمتکاری] زنده می‌گذاشتند و در این، آزمایش بزرگی از ناحیه خدا برای شما بود.) (اعراف: ۱۴۱)

بر اساس این تکلیف الهی است که سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار آن، دفاع از مظلوم را از معارف بلند اسلامی می‌داند و آن را یکی از اهداف نظام دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است. (امام خمینی (ره)، ۲۸۱۳، ج ۲۲/۲۵۳) راهبردی که رهبر معظم انقلاب نیز بر مبنای آن یکی از راه‌های مبارزه با استکبار را حمایت از مظلومان می‌دانند که زیر سلطه و ظلم استکبار جهانی قرار دارند؛ راهبردی که به باور ایشان، بایستی به هر شکلی دنبال شود. (بیانات، به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۲۸۱۵/۳/۳) بر اساس همین راهبرد دینی است که ما شاهی جمهوری اسلامی در طول سال‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره حمایت از مردم مظلوم فلسطین و دیگر مردم مظلوم جهان از جمله بوسنی، میانمار، یمن، افغانستان و بحرین را دنبال کرده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، استکبارستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب مبتنی بر سه رویکرد هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه بررسی گردید، به این بیان که اندیشه تمدن‌ساز رهبر معظم انقلاب، نظامی منسجم و متشکل از اجزا به هم مرتبط برای رسیدن به هدفی معین است. با روشن شدن اجزای گوناگون این نظام فکری در عرصه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، ارتباط آن‌ها با یکدیگر مفصل‌بندی شده است و در حوزه روش‌شناختی، هدفمند آن‌ها در ارتباط با واقعیت خارجی روشن می‌شود.

رهبر معظم انقلاب مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی به برابری انسان‌ها و نفی سلطه‌گر باور دارد؛ چرا که همه انسان‌ها در مقام عبودیت در پیشگاه خداوند قرار دارند و از رتبه‌ای یکسان و برابر برخوردارند. بنابراین، هنگام وجود سلطه‌طلبی و ظلم، اصل بر دفع ظالم و مستکبر و مقابله با آن قرار داده شده است. اگر از سلطه مستکبران جلوگیری نشود و انسان‌ها الهی با آن‌ها مقابله نکنند، آن‌ها هم ارزش‌های اخلاقی و انسانی را زیر پا می‌گذارند و فساد و تباهی، زمین را فرا می‌گیرد.

در اندیشه رهبر انقلاب امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، دو نظام توحید و شرک در حقیقت دو جبهه حق و باطل را تشکیل می‌دهند؛ دو جبهه‌ای که نظام آفرینش بر پایه‌ی آن استوار شده و انسان‌ها هر کدام در یکی از این دو جبهه صف‌بندی می‌شوند. بر این مبنای، انسان‌های مؤمن، که در رأس آن‌ها پیامبران و اولیای الهی قرار دارند، در جبهه حق و انسان‌های مشرک و مستکبر، که در رأس آن‌ها ابلیس و شیاطین هستند، در جبهه باطل قرار می‌گیرند. بر این اساس، مبارزه ضرورتی

تخلف‌ناپذیر این دو جبهه است؛ ضرورتی که مفهوم استکبارستیزی یکی از بازتاب‌های آن شمرده می‌شود.

در نگاه معرفتی رهبر انقلاب، اراده‌ی الهی بر مبارزه و مقابله با مستکبران و زورگویان عالم به‌منظور جلوگیری از گسترش فساد بر روی زمین قرار گرفته است؛ حقیقتی که در شرایط کنونی عرصه جهانی، به‌طور کامل آشکار است. اما امروزه مستکبران جهانی به‌واسطه ذات سیری‌ناپذیر خویش در پی منافع خود و گسترش سلطه‌شان بر جای جای کره زمین هستند و از هیچ اقدام غیرانسانی فروگذار نمی‌کنند. رهبر معظم انقلاب نخستین گام برای مقابله با این مستکبران زورگو و زیاده‌خواه را شناخت درست دشمن و برنامه‌های آن در این مسیر می‌داند. این مهم در بستر آمادگی کافی برای مقابله با دشمن و برنامه‌های آن ظهور پیدا می‌کند و با حضور انسان مؤمن در صحنه مبارزه نمایان می‌شود.

کتابنامه

• قرآن کریم

- پارسانیا، حمید (۱۳۹۳). روش‌شناسی و اندیشه‌ی سیاسی. علوم سیاسی، ۳(۱۱)، ۲۶-۳.
- چرچمن، چارلز وست (۱۳۹۱). نظریه‌ی سیستم‌ها. (رشید اصلانی، مترجم). تهران، مرکز آموزش دولتی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶). دیدگاه توحیدی؛ قوه توحید، دعوت بین‌المللی. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶). حدیث ولایت. تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴). طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: www.khamenei.ir
- دوران، دانیا (۱۳۸۶). نظریه‌های سیستم‌ها. (محمد یمنی‌دوزی سرخابی، مترجم). علمی و فرهنگی.